بسمه تعالی

عرض سلام و ادب خدمت شما دکتر میرمحمدی

بی مقدمه خدمت شما عرض می کنم، غرض از مزاحمت این بوده که با یک سری مشکلات جدی مواجه شده ام و راه های زیادی را بررسی کرده ام و همچنین از افراد زیادی درخواست کمک کرده ام؛ اما متاسفانه کسی مساعدتی به من نکرده و من همچنان درگیر مشکل خود هستم. به من گفته شده است که درخواست خود را به شما ارائه بدهم و از شما بخواهم تا به من در حل مشکلم کمک کنید؛ چرا که شما توانایی حل این مشکل را دارید.

واقعیت امر اینگونه است که اینجانب محمد محسنی در رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کاشان پذیرفته شده ام و اواسط ترم جاری یا حداکثر برای ترم آینده باید برای آموزش های حضوری به کاشان بروم. همان گونه که اطلاع دارید، سنگینی و حجم زیاد دروس از یک سو و فاصله نسبتا زیاد کاشان تا یزد از سوی دیگر مسبب این می شود که در طول ترم، مدت زمان های بسیار محدودی فرصت برگشت به یزد را داشته باشم. از سوی دیگر برادرم هم اول آذرماه 1400 به خدمت مقدس سربازی اعزام می شود.

در نتیجه با این شرایط، پدر و مادرمان که سالخورده هستند با مشکلات بسیاری روبه رو خواهند شد. علی الخصوص مادرم که مشکلات جسمی و روحی زیادی داشته و شرایط سختی را پشت سر گذاشته یا بهتر است بگویم همچنان درگیر این مشکلات است. (بیماری اختلال وسواس شدید - شکستگی مچ پا - جراحی دیسک ناحیه گردن – ضعف و کاهش توانایی حرکتی زانوها - چربی و قندخون نسبتا بالا - ضعف شدید بینایی و ...)

مادر من افتاده است و برای انجام کارهای روزانه خود به کمک ما نیاز دارد. بدون کمک من یا برادرم، نمی تواند قرص های خود را بخورد و یا حتی عذرخواهی می کنم به دستشویی برود. تقریبا تمام کارهای روزانه او را ما برایش انجام می دهیم و کمکش می کنیم.

مادرم به اختلال وسواس شدید مبتلا بوده و مدت زمان طولانی می گذرد که از آن رنج می برد. درد شدید مفاصل زانو و کمر و گردن باعث شده که به سختی قادر به انجام کارهای خود باشد. دردهای این نواحی به قدری شدید هستند که توان حرکتی او را به شدت پایین آورده اند.

علیرغم اینکه چندی پیش جراحی دیسک گردن انجام داده، همچنان درد گردن او پابرجاست. ضعف شدید بینایی و قند و چربی خون نسبتا بالا و کشیدگی رباط مچ پا هم از موارد دیگر مشکلات مادرم هستند.

در مجموع با در نظر گیری این شرایط و اینکه چندین سال است که ارتباط خوبی با پدرم ندارد(طلاق عاطفی)، انجام کارهایش به تنهایی بسیار سخت و ناممکن است. با تمام این موضوعات پدرم هم مشکل فشارخون دارد و باید تا چندی دیگر آنژیوگرافی انجام دهد.

سال گذشته مادرم به موقع قرص های خود را نخورده بود که ناگهان متوجه شدیم رنگ چهره او تغییر کرده است و کامل از حال رفت. بعدا متوجه شدید که به درستی خون به سرش نرسیده است و این اتفاق روی داده است. اگر در آن زمان برادرم خانه نبود مطمئنا مادرم از دست رفته بود. از آن زمان دکتر گفت که حتما یک نفر باید مراقب مادرتان باشد.

از بعد آن ماجرا همیشه بعد از ظهرها من یا برادرم حدودا یک ساعت دست مادر را میگیریم و آن را به پیاده رویی می بریم تا دوباره دچار شوک نشود و از حال نرود.

متاسفانه با تمام این مشکلات کسی توجهی به ما ندارد. این روند تاثیر زیادی در زندگی ما داشته است و متحمل آسیب هایی هم شده ایم. برای مثال برادرم سال گذشته در امتحان کارشناسی ارشد علوم تشریح قبول شد اما به دلیل آنکه باید به شهر دیگر میرفت و من هم کنکور داشتم و نمی توانستم به کارهای مادر به درستی رسیدگی کنم، حتی انتخاب رشته هم نکرد.

از سوی دیگر ما وضعیت مالی خوبی نداریم و تا پیش از زمان اعزام به خدمت برادرم، او که رادیولوژی خوانده با کار در یک مرکز درمانی، هزینه های درمان مادرم را پرداخت می کرد. خودتان تصور این را بکنید که فردی که نمی تواند کارهای روزانه خود را انجام دهد و قرص های ضروری خود را بخورد، چگونه می تواند به تنهایی زندگی کند.

شاید باور نکنید اما تمام مطالبی که در این نامه بیان کردم، تنها 5 درصد مشکلات ما است و 95 درصد بقیه را باید در شرایط ما باشید تا متوجه آن ها شوید.

مساعدت شما به بنده در حقیقت لطف به مادرم هست که تمام چشم امیدش به این است که کارهایش را من برایش انجام دهم. مطمئنا این مساعدت شما ثوابی عظیم از سوی خداوند برایتان دارد. اینجانب بنده ای حقیر بیش نیستم و کاری از دستم برنمی آید و نیازمند کمک شما هستم.

خواهش می کنم از کنار درخواست بنده به سادگی عبور نکنید؛ چراکه قبل از ایجاد مزاحمت برای شما، تمام راه های ممکن دیگر که در توانم بود را بررسی کرده ام و شما آخرین امید من برای دریافت کمک هستید.

اگر نتوانید به هر شکل به ما کمک کنید، به احتمال زیاد مجبور خواهم شد پزشکی و درس را رها کرده و در یزد بمانم تا کارهای مادرم را انجام دهم. این موضوع برای من بسیار جدی و حیاتی است و تنها تا زمانی می توانم درسم را در کاشان دنبال کنم که برادرم به سربازی نرفته باشد. که البته این زمان کمتر از یک ماه دیگر است.

* با توجه به شرایط بالا و نظر به اینکه من و برادرم تصادفا در یک زمان مجبور به رفتن شده ایم؛ لذا این بنده از شما دو درخواست دارم و خواهشمندم اگر برایتان مقدور است به آن ها رسیدگی کنید:

1. اگر برای شما مقدور است، مساعدتی کنید تا بتوانم از دانشگاه کاشان به دانشگاه یزد بیایم و مابقی تحصیلم را در یزد دنبال کنم.
2. با توجه به این که هزینه های درمان مادرم را برادرم با کار در مراکز درمانی پرداخت می کند، اگر برایتان مقدور است مساعدتی کنید تا دروان خدمت سربازی خود را در یزد بگذراند و بتواند هزینه های درمان مادرم را پرداخت کند.

در پایان بابت توجه و زمانی که صرف کردید سپاسگذارم.